

امنیتی سازی و چالش‌های آب‌های فرامرزی در جنوب آسیا: مطالعه موردی پاکستان

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۱۳

ناصر هادیان*

حنیفه ریگی**

چکیده

امروزه موضوع آب‌های فرامرزی در برخی مناطق به چالشی برای روابط کشورها تبدیل شده و به امنیت ملی آنها پیوند خورده است. یکی از این مناطق، منطقه جنوب آسیاست. پاکستان از جمله کشورهای این منطقه است که آب‌های مشترک خود با هند در رودخانه سند را به امنیت ملی خود پیونده داده و این، موجب امنیتی‌سازی این آب‌ها شده است. این نوشتار در نظر دارد تا با استفاده از نظریه امنیتی‌سازی، به بررسی اقدامات و فعالیت‌های پاکستان در راستای تهدید قلمدادکردن فعالیت‌های آبی هند و امنیتی‌سازی آب‌های مشترک با این کشور در رودخانه سند بپردازد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که کنشگران پاکستان با استفاده از ساختارهای زبانی از جمله قالب‌بندی و کاربرد استعاره، به امنیتی‌سازی آب‌های رودخانه‌ای مشترک خود با هند پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی: آب، امنیتی‌سازی، رودخانه سند، هند؛ پاکستان، مکتب کپنهاگ.

nhadian@ut.ac.ir

* عضو هیئت‌علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات راهبردی ● سال بیست و دوم ● شماره سوم ● پاییز ۱۳۹۸ ● شماره مسلسل ۸۵

مقدمه

تحولات پساجنگ سرد نقش مهمی در دگرگونی محیط امنیتی ایفا کرد به طوری که در این دوره، تهدیدات، بازیگران و کنشگران غیرنظامی به عرصه آمدند (کاوایانی‌راد، ۱۳۹۰). از این رو، عمده تمرکز محققان علمی و نیز سیاست‌گذاران دولتی بر چالش‌های امنیتی قرار گرفته است که از منابع غیرنظامی از جمله تغییرات اقلیم، کمبود غذا، مهاجرت غیرقانونی برخاسته‌اند و برای حیات و رفاه مردم و دولت‌ها تهدید جدی محسوب می‌شوند. به همین دلیل این تهدیدات امنیتی غیرسنجی، موجبات بازنگری در مفهوم امنیت را فراهم آورده‌اند (Thapa, 2011: 3-4). یکی از این تهدیدات غیرسنجی که سبب کشمکش میان کشورها شده است مرتبط به حوزه آب است. امروزه کمبود آب یا نبود مدیریت آب در زمان افزایش آب، از جمله تهدیدات زیست‌محیطی است که در سرتاسر دنیا سبب ترس و نگرانی کشورها شده است. بنابراین، بیشتر مشکلات آبی، از کمبود آب یا از فراوانی آب منجر به سیل که می‌تواند یک منبع ناامنی باشد نشأت می‌گیرد (Tarlock & Wouters, 2010: 54).

در بسیاری موارد فقط جنبه فیزیکی و مادی آب نیست که موجبات نگرانی و هراس کشورها را فراهم می‌آورد، بلکه بُعد سیاسی آن نیز سبب ایجاد تهدید برای کشورها و مناطق مختلف می‌شود به طوری که برای کشورها دغدغه‌های امنیتی به همراه داشته است. این دغدغه‌های امنیتی را می‌توان در میان کشورهای جنوب آسیا خصوصاً میان هند و پاکستان که در دهه‌های اخیر به موازات افزایش جمعیت، با کمبود آب روبرو شده‌اند نیز یافت. در حوزه آب‌های رودخانه‌ای مشترک پاکستان با هند، کشور بالادست رودخانه هند است و جایگاه جغرافیایی پاکستان آن را کشوری در پایین‌دست رودخانه قرار داده است. با جدایی هند و پاکستان در سال ۱۹۴۷ درگیری‌ها بر سر شش رودخانه (بیس، راوی، سوتلیج، سند، چناب و جیلیم) که از میان دو کشور عبور می‌کردند آغاز شد که در نهایت پیمان آبی «آیندوس» با کمک بانک جهانی در سال ۱۹۶۰ بین هند و پاکستان منعقد شد (Mogul, 2016). باین معاهده کنترل رودخانه‌های شرقی (راوی، بیس و سوتلیج) به هند واگذار شد و پاکستان نیز کنترل رودخانه‌های غربی (جیلیم، چناب و سند) را به دست آورد.

چون هند کشور بالادست بود، برخی محدودیت‌ها در زمینه ظرفیت آن برای استفاده از رودخانه‌های تحت کنترل پاکستان مقرر شد (Hill, 2006:138). به مرور زمان با وجود این توافق‌نامه اختلافات دو کشور در حوزه آبی تشدید یافت به طوری که امروزه آنها این موضوع را با امنیت ملی خود مرتبط می‌دانند. در این میان پاکستان به عنوان کشور پایین دست رودخانه با اعتراض به فعالیت‌های آبی هند بیش از سایرین آب را با امنیت ملی خود پیوند داده است. اینکه چگونه پاکستان فعالیت‌های آبی هند را تهدیدی برای کشور پاکستان در نظر گرفته و در نتیجه آب را امنیتی‌سازی کرده سؤالی است که ما در این پژوهش به آن خواهیم پرداخت. از این منظر استدلال این مقاله این است که پاکستان توانسته است از طریق ساختارهای زبانی- قالب‌بندی و کاربرد استعاره‌ها- به امنیتی‌سازی آب‌های مرزی خود اقدام کند. در زمینه امنیتی‌سازی آب می‌توان به مقاله «امنیتی‌سازی گفتمان آب، مبانی نظری، شکاف‌های تحقیق و اهداف موضوع خاص» فیشندلر اشاره کرد. فیشندلر^۱ (2015) در این مقاله به بررسی امنیتی‌سازی آب و به معرفی سه نوع سازوکار، ساختاری، زبانی و نهادی در این زمینه می‌پردازد. مقاله "امنیتی‌سازی آب‌های مشترک: تجزیه و تحلیل وضعیت هیدروپلیتیکی پروژه سد تاناکپور بین نپال و هند" نوشته ناهو میروماچی^۲ (2013) نیز به امنیتی‌سازی آب‌های فرامرزی در جنوب آسیا بین هند و نپال پرداخته است.

میروماچی ضمن بررسی فرایند امنیتی‌سازی آب توسط هند، به همکاری‌های آبی دو کشور تحت تأثیر امنیتی‌سازی نیز اشاره کرده است. پیتر برگس و همکارانش (Burgess et al, 2016) نیز در مقاله خود با عنوان «امنیتی‌سازی انسانی آب؟ مطالعه موردی حوضه آب‌های سند» به روند امنیتی‌سازی در حوزه آب پرداخته‌اند. آنها با رویکردی متفاوت از سایر محققان به جای پرداختن به تهدیدات مربوط به امنیت ملی در روند امنیتی‌سازی، به خطرات مرتبط با امنیت بشر پرداخته‌اند. استفان استتر و همکارانش (Stephan et al, 2011) نیز در مقاله «منازعه در خصوص آب: امنیتی‌سازی‌ها در یک محیط جهانی» به مبحث امنیتی‌سازی آب پرداخته‌اند و مدعی شده‌اند که آب موضوعی پیچیده است و برای درک نقش آب در منازعات، لازم است که فراتر از بحث

۱. Fischhendler

۲. Mirumachi

میزان اهمیت آن در درگیری‌ها گام برداشت زیرا با تحول درگیری‌های آبی، آنها در نتیجه رویه‌های امنیتی‌سازی درک می‌شوند.

نزدیک‌ترین اثر به پژوهش حاضر مقاله «سیاست گفتمان آبی در پاکستان» نوشته مدها بیشت^۱ (2011) است. این اثر به صورت توصیفی و بدون بهره از مفاهیم نظری، با استفاده از گفتمان‌هایی که با امنیت مرتبط بوده، به سیاست آبی پاکستان پرداخته است که تفاوت عمده پژوهش حاضر با اثر بیشت، علاوه بر اتکای آن بر مبانی نظری، این است که نحوه چگونگی امنیتی‌سازی آب‌های رودخانه سند را با استفاده از رویه‌های زبانی از جمله قالب‌بندی و استعاره توضیح می‌دهد. در این مقاله، نخست چارچوب نظری در قالب نظریه امنیتی‌سازی مطرح می‌شود. از آنجایی که در این مقاله بحث امنیت آبی مطرح است، از این رو، قبل از بیان تئوری امنیتی‌سازی، مفهوم امنیت آبی شرح داده می‌شود. بخش دوم این نوشتار اشاره‌ای کوتاه به روابط دو کشور و نیز نگاهی به اختلافات آنها در کشمیر دارد. در بخش سوم نیز امنیتی‌سازی آب توسط پاکستان بیان می‌شود. در نهایت نیز با بخش نتیجه‌گیری مقاله پایان می‌یابد.

الف. مبانی نظری پژوهش

امنیت آبی مفهومی تقریباً جدید است. تعاریف امنیت آبی که در دهه ۱۹۹۰ استفاده می‌شد با مسائل امنیتی خاص بشر، مانند امنیت نظامی، امنیت غذایی و (به‌ندرت) امنیت محیط‌زیست مرتبط بود. در دومین مجمع جهانی در سال ۲۰۰۰، مشارکت جهانی آب، یک تعریف جامع از امنیت آب ارائه کرد که دسترسی و مقرون‌به‌صرفه بودن آب و نیز نیازهای بشری و سلامت زیست‌محیطی را در نظر می‌گرفت. از آن زمان، دانشمندان و سیاست‌گذاران، اصطلاح امنیت آبی را به کار گرفتند و به آن معنای مختلفی دادند و آن را در قالب‌های مختلفی به کار بردند. در نتیجه، قالب‌بندی امنیت آبی متنوع بوده و از تمرکز اولیه بر مقدار و در دسترس بودن آب برای استفاده‌های بشری تا کیفیت آب، سلامت بشر و دغدغه‌های زیست‌محیطی شامل می‌شود.

۱. Bisht

بدین ترتیب، قالب‌بندی‌های امنیت آبی به‌هیچ‌وجه ثابت نیستند و با متن و دیدگاه‌های زمینه‌ای در خصوص آب، دچار تغییر می‌شوند (Cook & Bakker, 2012: 97).

برای مثال گروه آب سازمان ملل در یک تحلیل امنیت آبی را این‌گونه تعریف کرده است: «امنیت آبی ظرفیت یک جمعیت برای حفاظت از دسترسی پایدار به مقادیر کافی آب با کیفیت درخور قبول برای حفظ معیشت، رفاه بشر و توسعه اجتماعی-اقتصادی، ظرفیت آن برای تضمین حفاظت در مقابل آلودگی‌های ناشی از آب و آلودگی‌های مربوط به آب و بلایای مرتبط با آب و برای محافظت از اکوسیستم‌ها در یک جو صلح و ثبات سیاسی است» (UN-Water Task Force on Water Security, 2013). دیوید گری و کلودیا سادف امنیت آب را «در دسترس بودن مقدار و کیفیت درخور قبول آب برای سلامتی، معیشت، اکوسیستم‌ها و تولید، همراه با سطح درخور قبول از دوری از خطرات مربوط به آب برای مردم، محیط و اقتصاد» تعریف کرده‌اند (Grey and Sadoff, 2007). کالو آرسی و همکارانش امنیت آبی را «قابلیت دسترس و دسترسی به آب به اندازه کافی در میزان و کیفیت به‌منظور تأمین نیازهای معیشتی تمام خانوارها در طول سال، بدون تبعیض قائل شدن برای نیازهای سایر کاربران، تعریف کرده‌اند (Calow et al., 2010).

بنابراین، در این ادبیات متنوع، معانی مختلفی در زمینه امنیت آب ارائه شده است: دسترسی به آب، آسیب‌پذیری انسان در مقابل خطرات؛ نیازهای بشری (مرتبط با توسعه، با تأکید بر امنیت غذایی) و پایداری. در هر حال، آنچه در این تحقیق بر آن بیشتر تأکید می‌شود آن چیزی است که زیتون و همکارانش (2010) به آن اشاره می‌کنند. آنها با تمرکز بر امنیت ملی آبی، استدلال می‌کنند که "امنیت آبی نیاز به یک رویکرد گسترده‌تر دارد تا آنجا که عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مرتبط با منابع آب شیرین رودخانه‌ای را توضیح دهد" (به‌زعم آنها بیشتر مواقع برای این مفهوم در منابع آبی تعریف مضیق و عادی تصور و تعیین می‌شود (Zeitoun et al., 2010: 230). این به این معناست که آب از یک نظام پیچیده چند بعدی برخوردار است و فقط جنبه فیزیکی و مادی آن نیست که موجب هراس کشورها شده است، بلکه آب منبع طبیعی است که در آن نه‌تنها مرزهای سیاسی اهمیت دارد، بلکه مرزهای چندگانه اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و فرهنگی نیز مورد توجه قرار می‌گیرند. سیستم‌های آبی از زیرسیستم‌های

مختلف مانند سیستم‌های اجتماعی، تاریخی، سیاسی، اقتصادی، محیطی، نهادی، فرهنگی و زیست‌محیطی تشکیل شده است (Mianabadi, 2016: 12) در واقع، با پیدایش دولت مدرن و شکل‌گیری مرزهای سیاسی کارکرد منابع آبی در جهت گیری‌های سیاسی بیشتر آشکار شد (کاویانی راد، ۱۳۸۴: ۳۳۸).

در نتیجه ابعاد مختلف این ماده در بیشتر متون نادیده گرفته شده است. در این میان بعد سیاسی و امنیتی آب عاملی بوده که به امنیتی‌سازی آب کمک کرده است. در مکتب کپنهاگ امنیت نه ارزش عینی بلکه گفتمانی برساخته است حول تهدیدات وجودی و اهداف مرجع-اهدافی که از نظر وجودی تهدیدکننده به نظر می‌رسند و برای بقا ضروری هستند- این فرایند گفتمانی، بیان‌گر ادعاهای سازه‌انگاران و پساساختارگرایان است مبنی بر اینکه «تهدیدها به صورت اجتماعی از طریق یک فرایند» «بازاندیشانه و مبتنی بر متن که باعث ایجاد معانی و رویه‌ها می‌شود، ساخته می‌شوند» (Fischhendler and Katz, 2013). در واقع بازیگران امنیتی‌ساز موضوعات را با این ادعا که از لحاظ وجودی، چیزی در معرض تهدید است، امنیتی می‌سازند. بنابراین، هر نوع نیت و اهداف مرجع، به وسیله بازیگران امنیتی‌ساز هدایت می‌شود. این کنشگران امنیتی‌ساز می‌توانند رهبران سیاسی، بروکرات‌ها، حکومت‌ها، لابی‌ها و گروه‌های فشار باشند. البته، مرجع و نوع تهدیدهای وجودی که بازیگران با آن روبرو می‌شوند، در بخش‌های گوناگون امنیتی متفاوت هستند (Buzan et al., 1998).

بازیگران امنیتی‌ساز از زبان استفاده می‌کنند تا موضوع را در شرایط امنیتی قرار دهند و مخاطبان مربوط را از خطر فوری آگاه کنند؛ موضوع از حوزه سیاست‌های عادی به حوزه سیاست‌های اضطراری انتقال می‌یابد (Buzan et al., 1998). به بیان مکتب کپنهاگ دو عامل شرایط درونی (زبانی - دستوری) و نیز شرایط بیرونی (زمینه‌ای - اجتماعی) برای موفقیت امنیتی‌سازی یک پدیده نقش دارند (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶). از نظر مکتب کپنهاگ، هر کسی می‌تواند پدیده‌ای را امنیتی کند و پدیده‌ها صرفاً نظامی نبوده سایر پدیده‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی هم می‌توانند قابلیت امنیتی‌شدن داشته باشند (دهقانی فیروزآبادی و علوی، ۱۳۹۵: ۴۴). بوزان و همکارانش بیان کرده‌اند که محیط‌زیست، دامنه نامشخصی برای امنیتی‌سازی دارد. هرچند به‌زعم وارنر و بواس (2017) این سبب نمی‌شود که برخی از تلاش

برای امنیتی‌سازی مسائل زیست‌محیطی از جمله تغییرات اقلیمی دست بکشند. برای مثال، سازمان ملل متحد نیز در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ تغییرات اقلیم به‌عنوان یک پدیده زیست‌محیطی را به‌عنوان یک مسئله امنیتی اعلام کرد (Warner & Boas, 2017).

در همین راستا، آثار مهمی درباره امنیتی‌سازی در حوزه آب‌های بین‌المللی و رودخانه‌های بین‌المللی نوشته شده است. به‌عنوان مثال فیشندلر در حوزه آبی سه نوع سازوکار و کار امنیتی‌ساز را نام می‌برد: ۱. سازوکارهای ساختاری؛ ۲. سازوکارهای نهادی و ۳. سازوکارهای زبانی. منظور وی از مکانیسم‌های ساختاری، زیرساخت‌های ملموسی هستند که با توجه به اهمیت منابع طبیعی برای جامعه، در صدد حمایت و حفاظت از این منابع هستند مانند قراردادان منطقه حائل غیرنظامی. در تعریف سازوکارهای نهادی، فیشندلر به اقدامات نهادی مشترک که به تهدیدات پاسخ می‌دهند، اشاره می‌کند؛ مانند حضور نمایندگان مقامات نظامی یا امور خارجه در تصدی امور حوضه و در نهایت به‌زعم وی نوع سوم امنیتی‌سازی در حوزه آب استفاده از ابزارهای زبانی است که می‌تواند به شکل‌گیری و ترسیم ضرورت منجر شود؛ از جمله روایت‌ها، استعاره‌ها و قالب‌بندی. روایت یکی از ساختارهای زبانی است که با استفاده از آن محیط‌زیست می‌تواند امنیتی‌سازی شود.

استعاره نیز ساختار زبانی است که برای امنیتی‌سازی آب به‌کار می‌رود. در حوزه آب رایج‌ترین استعاره، استعاره «جنگ آبی» است. قالب‌بندی نیز یک ابزار زبانی است که با آن منابع آب و سایر منابع می‌تواند امنیتی‌سازی شود. این مفهوم، فرایند شناختی است که افراد و گروه‌ها درک و تفسیرشان از یک موقعیت خاص را به شیوه‌ای ثابت با دیدگاه‌های خودشان فیلتر می‌کنند، برای مثال، در خصوص کمبود منابع، اقتصاددانان در حوزه کشاورزی به روایت «آب مجازی»^۱ اشاره می‌کنند، حال آنکه نظامیان و سیاستمداران (خصوصاً در آمریکا) از روایت «میدان نبرد انرژی»^۲ استفاده کرده‌اند (Fischhendler, 2015). غالباً هر دو قالب‌بندی‌ها و استعاره‌ها، با چسباندن مفهوم «امنیت» به بسیاری از منابع که برای جامعه حائز اهمیت هستند و دسترسی به آنها به‌طور بالقوه در معرض تهدید است، شکل می‌گیرند. آب یکی از این منابع

1. Virtual water
2. Energy battlefield

است. اصطلاح «امنیت آبی» به دلیل گسترش شواهد پیش‌بینی‌کننده بحران آب‌های جهانی و تأثیر آن بر جنبه‌های مختلف معیشت و اقتصاد، به مدیریت آب ضمیمه می‌شود. از این رو، ارتقای جنبه‌های امنیتی یک موضوع یا قالب‌بندی یک مسئله به لحاظ امنیتی یک راه برای تعیین اولویت موضوعات است. در نتیجه، با توجه به تأثیر منطق امنیتی، بسیاری از بازیگران، از اصطلاحات امنیتی برای به تصویر کشیدن یک موضوع سیاست‌اعلی^۱ که در حالت عادی به‌عنوان موضوع مرتبط با سیاست سفلی شناخته می‌شود استفاده می‌کنند (Fischhendler and Katz, 2013: 322).

ب. روابط هند و پاکستان

هند و پاکستان همسایگانی هستند که مشکلات پیچیده ایدئولوژیک، تاریخی و ژئوپلیتیکی دارند؛ به طوری که امکان حذف یا حل این مشکلات به آسانی میسر نیست و در نتیجه این معضلات بر روابط دو کشور تأثیر منفی گذاشته است (Kararaju & Akhtar, 2015: 7). هر دو کشور طرف مقابل را عامل تنش‌های میان دو ملت معرفی کرده‌اند. برای مثال ژنرال کاتپالیا^۲، رئیس اسبق اطلاعات نظامی ارتش هند، منشأ روان‌شناختی درگیری هند و پاکستان را در رهبران پاکستان می‌بیند. وی در مطلبی بر این موضع تأکید داشت: «بدون شک مشکلات هند و پاکستان اساساً از رهبری سرچشمه می‌گیرد. در ۴۱ سال گذشته، رهبری یک کشور (پاکستان) به‌طور مستمر به نفرت و بدگمانی عموم مردم (نسبت به هند) دامن زده و آن را به‌عنوان یک ابزار سیاست دنبال کرده است.» در واقع، پاکستان یک تصویر متخاصم از رهبری هند را ارائه می‌دهد. بخش مهمی از ایدئولوژی اساسی پاکستان در این واقعیت نهفته است که مسلمانان نمی‌توانند به هندوهای «مکار» اعتماد کنند (Cohen, 2003: 11) در مقابل، با توجه به اظهارات مقامات هندی در مورد نپذیرفتن جدایی و استقلال پاکستان از هند، رهبران پاکستان بر این باور هستند که چون هند هرگز قادر به پذیرش تجزیه شبه قاره نیست، حاکمانش درصدد نابودی این کشور هستند (Maqbool & Alam, 2016:77). این ادراکات سبب شده تا تنش بین دو

۱. High politics

۲. Kathpalia

طرف روز به روز افزایش یابد. به طو رکلی، هند و پاکستان از آغاز جدایی در سال ۱۹۴۷ در زمینه‌های مختلف با یکدیگر اختلاف داشته‌اند. اختلافات بین دو کشور به موضوعات مختلفی برمی‌گردد اما مهم‌ترین اختلاف آنها در خصوص منطقه کشمیر است. کشمیر بیش از هفت دهه، عامل اصلی تنش در روابط هند و پاکستان بوده است (Kalis & Dar 2013).

۱. اختلافات هند و پاکستان در کشمیر

پس از استقلال هند و پاکستان، جنگ‌هایی میان دو کشور بر سر مسئله کشمیر در سال‌های ۱۹۴۷، ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ رخ داده است و هزاران نفر طی این جنگ‌ها کشته شدند. در واقع، پاکستان مسئله «کشمیر» را به‌عنوان «برنامه ناتمام» فرایند جدایی هند و پاکستان تعریف می‌کند و الحاق آن به هند در ۲۶ اکتبر ۱۹۴۷ را به چالش می‌کشد. از نظر پاکستان، کشمیر یک منطقه "مورد مناقشه" است که بر اساس اصل اکثریت مسلمان (نظریه دو کشور) بخشی از سرزمین پاکستان محسوب می‌شود. در مقابل، هندوستان کاملاً موضع پاکستان را رد می‌کند و الحاق را امری قانونی، انکارناپذیر و نهایی می‌داند (Misra, 2005:16-17). این اختلافات میان دو طرف با درگیری‌هایی همراه بوده و همچنان ادامه دارد، به طوری که در اوایل آگوست سال ۲۰۱۹، دولت هند اعلام کرد که تغییراتی اساسی در وضعیت قانونی ایالت اکثریت مسلمان‌نشین جامو و کشمیر ایجاد خواهد کرد (Kronstadt, 2019). این تغییر اساسی لغو ماده ۳۷۰ قانون اساسی هند بود، ماده‌ای که بر اساس آن به ایالت کشمیر خودمختاری داده شده بود (Venkataramanan, 2019). در هر حال، این امر منجر به افزایش تنش‌ها میان طرف‌های درگیر شده است.

به‌طور کلی، منطقه کشمیر برای هند و پاکستان، از اهمیت استراتژیکی برخوردار است؛ کشمیر از نظر موقعیت جغرافیایی خود و به‌لحاظ هم‌جواری با کشورهای چین، روسیه، افغانستان، پاکستان و هند، به‌لحاظ دفاعی برای هند و پاکستان حائز اهمیت فراوانی است. این منطقه برای هر دو کشور در زمینه‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی بسیار مهم است. هر دو کشور کنترل کشمیر را با هویت ملی و تمامیت ارضی خود در هم تنیده می‌دانند (شفیعی و اسکندری، ۱۳۹۰). به‌علاوه، بیشتر آب‌های سیستم رودخانه‌ای سند از

میان این منطقه می‌گذرد. از این رو، این منطقه به‌عنوان بخشی از ژئوپلیتیک رودخانه سند در نظر گرفته می‌شود؛ در نتیجه به اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیکی این منطقه افزوده می‌شود (Akhter, 2016: 40).

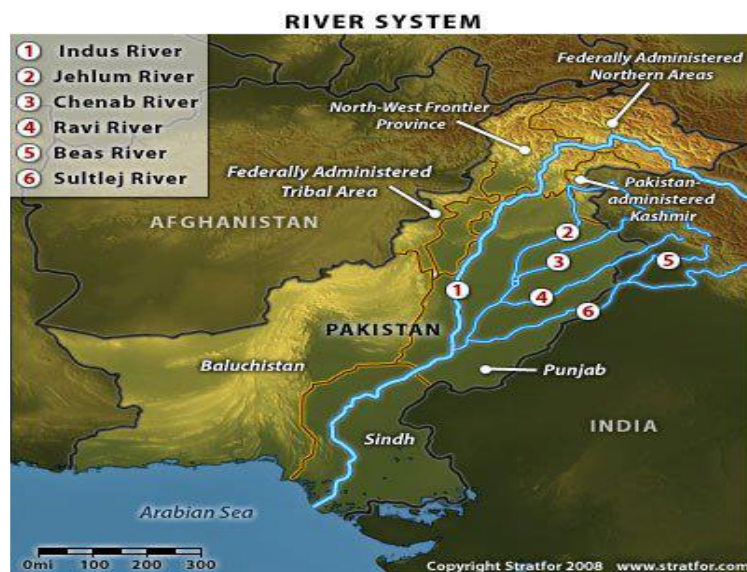
۲. اختلافات آبی هند و پاکستان در حوضه رودخانه سند

اختلافات آبی دو کشور هند و پاکستان در حوضه رودخانه‌ای سند از موضوعات مهم در جنوب آسیا به شمار می‌آید. حوضه رودخانه سند در میان چهار کشور پاکستان، هند، چین و افغانستان قرار دارد (Laghari, and Rauch, 2012: 1064). به دلایل متعدد از جمله افزایش جمعیت، هر دو کشور هند و پاکستان با کمبود آب مواجه هستند. برای مثال، در زمان جدایی از هند سرانه آب برای هر نفر در پاکستان پنج هزار مترمکعب بود اما امروزه که جمعیت آن پنج برابر افزایش یافته است، سرانه دسترسی به آب هر نفر به هزار مترمکعب رسیده است که به‌طور درخور توجهی کمتر از میزان پذیرفته‌شده جهانی است (Riffat & Iftikhar, 2015). از سوی دیگر، هند نیز نگران مسئله کمبود آب است. بیش از ۷۰ درصد هندی‌ها در مناطق روستایی زندگی می‌کنند که کشاورزی اساساً معیشت آنهاست. جمعیت هند به میزان ۱/۴ درصد در حال رشد است که به افزایش تقاضای آب منجر شده است در حالی که متوسط ظرفیت آب در سرتاسر هند، در حال کاهش است. از سوی دیگر فقط کمتر از نیمی از جمعیت هند به برق دسترسی دارند. از این رو، این کشور اقدام به استفاده از آب رودخانه‌ها برای تأمین برق آبی خود نیز کرده است (Miner et al., 2009: 208).

از پنج شاخه اصلی رودخانه سند، دو مورد جلوم و چناب- در روابط هند و پاکستان، بیشترین دغدغه و نگرانی را ایجاد کرده است (Riviere, 2015: 8) زیرا به دلیل موقعیت توپوگرافیک کشمیر و پاکستان وجهت‌گیری دره‌های این منطقه به سوی دشت‌های پنجاب، رودخانه‌های مناطق سند و پنجاب که حدود ۸۰ درصد منابع آبی پاکستان از طریق آنها تأمین می‌شود، از کشمیر و به ویژه مناطق تحت کنترل هند سرچشمه می‌گیرند. این وضعیت از جمله موارد مهمی است که همواره سبب نگرانی پاکستان بوده است (شفیعی و اسکندری، ۱۳۹۰: ۲۱۰). عمده اختلافات آبی کنونی بین دو کشور هند و پاکستان بر سر ساختن سد، ذخیره

سازی و نیز انحراف مسیر آب است. در واقع، ساختن سد بر روی رودخانه‌های غربی توسط هند سبب اختلافات بین دو کشور شده است. پروژه‌های متعدد هند بر روی رودخانه سند خصوصاً پروژه‌های ۳۳۰ مگاواتی کیشانگانگا^۱ و ۴۵۰ مگاواتی باگلیهر^۲، ۸۵۰ مگاواتی راتل^۳ و نیز پروژه تولبال^۴ سبب نگرانی پاکستان شده است به طوری که مقامات پاکستان ساخت این پروژه‌ها را نقض توافق‌نامه ایندوس می‌دانند (Riffat & Iftikhar, 2015).

از نظر پاکستان، با طراحی معیوب و ناقص پروژه‌های آبی هند، حقوق آبی کشورش در دو رودخانه چناب و جیلیم توسط هند نقض شده است (Kiani, 2018). استدلال پاکستان همواره این بوده که هند ماده ۲ (II) قرارداد آبی ایندوس را نقض کرده است که مطابق آن هر دو طرف از انجام هرگونه «ایجاد مانع ساختگی» که ممکن است جریان روزانه آبها را تغییر دهد، منع شده‌اند (Khalid, 2010: 85).



شکل ۱. سیستم رودخانه‌ای سند (Sohail et al., 2015)

1. Kishanganga Dam
2. Baglihar Dam
3. Rattle
4. Tulbul project

پاکستان مانند مصر در اطراف یک سیستم رودخانه‌ای ساخته شده است. در واقع، یکی از ویژگی‌های درخور توجه جغرافیای پاکستان این است که تقریباً تمام مناطق دشتی این کشور -از دره پیشوا در شمال تا خط ساحلی سند- بخشی از سیستم هیدرولوژیکی واحد، یعنی حوضه سند است (Gazdar, 2005: 813). بنابراین، وابستگی هر دو کشور به آب‌های این سیستم رودخانه‌ای، سبب شده است که این رودخانه برای هر دو طرف از اهمیت بسزایی برخوردار شود. وابستگی دولت پایین‌دست، پاکستان، به آب رودخانه سند را می‌توان از طریق بخش کشاورزی مورد بررسی قرار داد جایی‌که آب برای تولید و برداشت محصول دانه‌های غذایی حیاتی است و کشاورزان یک حوزه فشار اصلی را شکل می‌دهند (Burgess et al., 2016: 395).

ج. پاکستان و امنیت‌سازی آب

همان‌طور که گفته شد آب پیوندی قوی با امنیت غذایی و معیشت بخش بزرگی از جمعیت وابسته به کشاورزی پاکستان یافته است. بنابراین، بحران آب می‌تواند یک منبع بی‌ثباتی برای این کشور باشد. در نتیجه، آب در منطقه به شدت سیاسی شده و مسائل آب به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان مسائل مربوط به امنیت ملی در نظر گرفته شده است (Price, 2014) که به امنیت‌سازی آب‌های رودخانه‌ای این منطقه کمک کرده است. بنابراین، برخلاف بسیاری از مقالات و آثار مربوط به امنیت آبی درخصوص منطقه جنوب آسیا که فقط از ناامنی آبی ناشی از کمبود آب نام می‌برند، این مفهوم در این منطقه تعریف گسترده‌تری می‌یابد. کمبود آب در کنار سایر عوامل ازجمله رفتار تهدیدآمیز، قدرت و نیت خصمانه که هم‌پوشانی بین آب و بی‌ثباتی حاکمیت ملی و کاهش ثبات سیاسی را در دولت مربوطه افزایش می‌دهد می‌تواند به‌عنوان عامل تنش‌زای امنیتی تلقی شود (Pak, 2016: 67).

۱. قالب‌بندی امنیت آبی پاکستان با مسئله کشمیر

بسیاری از محققان حوزه آب، مشکلات آبی را ازجمله مسائل مهم بین دو کشور هند و پاکستان به شمار می‌آورند که با مسائل ژئوپلیتیکی میان آنها خصوصاً با مسئله کشمیر مرتبط است. بنابراین، عمده‌ترین نوع قالب‌بندی امنیت آبی پاکستان «در پیوند با کشمیر»

صورت گرفته است. برای مثال، دلبیو بریسکو، استاد دانشکده بهداشت عمومی هاروارد و مشاور سابق ارشد آب بانک جهانی، اختلاف آب هند و پاکستان را به دو دلیل موضوع اصلی بین آنها می‌داند: «اول اینکه، مسئله آب با موضوع حل‌نشده کشمیر ارتباط نزدیکی دارد و بنابراین، از نگرانی‌های امنیتی و تروریسم جدا نیست. دوم اینکه، پاکستان در اطراف یک حوضه رودخانه‌ای واحدی ساخته شده است که اقتصاد، کشاورزی و انرژی آن وابسته به آن حوضه آبی است. تقریباً تمام آب پاکستان به‌طور کامل مصرف و استفاده می‌شود و عمدتاً از کشورهای همسایه (از جمله) هند، چین و افغانستان سرچشمه می‌گیرد» (Lipschutz, 2010).

این‌گونه قالب‌بندی امنیت آبی پاکستان در پیوند با کشمیر، توسط سیاستمداران پاکستانی نیز بیان شده است. برای مثال، سیدصلاح‌الدین، رئیس شورای جهاد متحده، سازمان حفاظتی که مسئول هماهنگی فعالیت‌های همه گروه‌های جهادی در پاکستان است، نیز بیان کرده بود که کشمیر چشمه‌ای است که از آن همه منابع آبی پاکستان حاصل می‌شود. اگر پاکستان در نبرد خود علیه هند شکست بخورد، به «کویر» تبدیل خواهد شد (Sinha, 2008: 961). اصطلاح «کویر» یا «بیابان» که بارها و بارها در سخنان سیاستمداران پاکستانی استفاده می‌شود برای بیان پیوند امنیت آب و کشمیر است. در اینجا تلاش بر این است که نشان دهند که در صورت از دست دادن کشمیر فاجعه‌ای رخ خواهد داد که به ناامنی آبی کشور منجر شده و تهدید وجودی برای کشور پاکستان خواهد بود. بیانی‌های دیگر از سوی سردار محمد انورخان، زمامدار کشمیر تحت کنترل پاکستان، صادر شد که به‌طور مشابه در آن اعلام کرده بود که «پاکستانی‌هایی که معتقدند بدون کشمیر زنده می‌مانند، اشتباه می‌کنند. اقتصاد پاکستان وابسته به کشاورزی و از این رو، وابسته به آب و در نتیجه وابسته به کشمیر است» (Sinha, 2008: 963).

بنابراین، این نوع قالب‌بندی امنیت آب در خصوص کشمیر، اشاره به وابستگی ادامه حیات کشوری مانند پاکستان با اقتصادی مبتنی بر کشاورزی، به رودخانه سند و در نتیجه به کشمیر دارد. با خطاب قراردادن پاکستانی‌ها که عمدتاً شامل مردم عادی هستند، پیوند بین امنیت آبی با امنیت بشری به‌نحوی در این اظهارات آشکار می‌شود. در واقع، این اظهارات تلاش برای برجسته کردن اهمیت کشمیر و آب‌های آن برای پاکستانی‌ها را نشان می‌دهند. قالب‌بندی پیوند امنیت آبی پاکستان با کشمیر بخشی از گفتمان آبی پاکستان را که در آن، هند عامل اصلی کاهش میزان آب

پاکستان معرفی شده است، تشکیل می‌دهد. هند و پاکستان چندین مرتبه با یکدیگر بر سر کشمیر وارد جنگ شده‌اند و کشمیر به لحاظ استراتژیک منطقه حساسی برای هر دو طرف به‌شمار می‌آید. سیستم رودخانه سند برای هر دو کشور از اهمیت ژئواستراتژیکی برخوردار است زیرا همان‌طور که گفته شد اکثر نیازهای آبی آنها را رفع می‌کند. این امر به‌ویژه در خصوص پاکستان صادق است، زیرا سند اصلی‌ترین شریان آبی این کشور است (Riviere, 2015: 8).

از یک سو، از نظر هند و پاکستان موقعیت کشمیر به‌گونه‌ای است که هر کشوری که بتواند آن را کنترل کند، موقعیت نظامی استراتژیکی برای حمله به دیگری به‌دست می‌آورد. نخست‌وزیر سابق پاکستان، لیاقت علی خان، در ۱۶ جولای ۱۹۴۷ در کابل، به این موضوع اذعان داشت: «امنیت پاکستان با آنچه در کشمیر اتفاق می‌افتد مرتبط است» (Cheema, 2015: 48). اما از جنبه دیگر، کنترل کشمیر به معنای قدرت کنترل «شیر آب» هند و پاکستان نیز است (Riviere, 2015: 9). در نتیجه پیوند آب و کشمیر در قلمرو عمومی، راهبردهای بسیج داخلی را تقویت خواهد کرد و به‌علاوه چنین ارتباطاتی می‌تواند نقش مهمی در شکل‌دادن به خطوط سیاست خارجی پاکستان نیز داشته باشد.

به‌طور کلی، موضوع آب در این کشور همیشه پیوند تنگ‌انگی با موضوع هند دارد. در واقع، تهدید هند در این گفتمان دال اصلی است که از همان آغاز جدایی هند و پاکستان شکل گرفته است و در ادامه با ناامنی آبی مفصل‌بندی شده است. در همین راستا، رئیس‌جمهور سابق پاکستان آصف‌علی زرداری، پیوند موضوع آب با هند را چندین بار در گذشته، مطرح کرده است. برای مثال، در ۲۸ ژانویه ۲۰۰۹ او در مقاله‌ای تأکید کرد: «بحران آب در پاکستان به‌طور مستقیم با روابط با هند ارتباط دارد و اگر این موضوع حل نشده بماند، می‌تواند افراط‌گرایی و تروریسم را شعله‌ور کند (Telegraph, 2009). طبق نظریه امنیتی‌سازی مکتب کپنهاگ آغاز فرایند امنیتی‌سازی یک پدیده زمانی است که بازیگر امنیت‌ساز موضوعی را از حوزه سیاست عادی خارج کرده و آن را به‌عنوان تهدیدی وجودی معرفی می‌کند. زرداری به‌عنوان کنشگر امنیتی‌ساز با پیوند دادن هند با ناامنی آبی در پاکستان سعی کرد با استفاده از تاریخچه دشمنی کشورش با هند و با به‌کارگیری کلماتی نظیر «بحران»، «افراط‌گرایی» و «تروریسم» بر مخاطبان خود تأثیر بگذارد تا موضوعات

زیست‌محیطی از جمله کمبود آب و در نتیجه امنیت آب را در پیوند با همان دشمن دیرینه تفسیر کند.

بدین ترتیب، وی به‌عنوان رئیس دولت پاکستان، به ایجاد یک طرح امنیتی که شامل تهدید وجودی در پیوند با «تروریسم» که یک اولویت اصلی و مهم در مباحث امنیتی است و نه تنها در پاکستان بلکه در کل منطقه برای چین و هند نیز دغدغه مهمی به شمار می‌آید مبادرت می‌کند. البته، ارتباط آب و تروریسم یک گفتمان روبه رشد در محافل دیگر پاکستان نیز است. به بیان ریاض حق، موسس و مدیر شبکه اجتماعی جهانی^۱ در پاکستان ترس از رشد نارضایتی اجتماعی، تروریسم و بی‌ثباتی در اثر کمبود آب و در نتیجه نابودی محصولات کشاورزی و فقر وجود دارد (South Asia Investor Review, 2011). بنابراین، از نظر این افراد، در مناطقی از پاکستان که اقتصاد آن بر پایه کشاورزی استوار است، کمبود آب با خشک‌سالی، کمبود غذا و در نتیجه فقر در ارتباط است. با خشک‌سالی، فقر و بیکاری افزایش یافته، نارضایتی‌ها از حکومت بیشتر شده که با توجه به حضور گروه‌های تروریستی در این کشور احتمال پیوستن افراد به گروه‌های معاند و تروریستی بیشتر می‌شود و در نتیجه بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی در کشور گسترش می‌یابد.

بسیاری از سیاستمداران، مقامات و رسانه‌های پاکستانی بین اختلافات کشمیر، آب و نوع درکشان از هند پیوند برقرار کرده‌اند. برای مثال، ژنرال اشفق کیانی اظهار داشت: «تا زمانی که پاکستان دارای مسائل حل‌نشده (آب و قضیه کشمیر) با هند است، هند در دکترین نظامی پاکستان به قوت خود باقی خواهد ماند». او از آب و کشمیر به‌عنوان مسائل حل‌نشده نام می‌برد. واریس خالو از اعضای مجمع پنجاب نیز گفت: «تا زمانی که اختلافات کشمیر و مسائل آب حل نشود، هند همچنان به‌عنوان «دشمن» باقی خواهد ماند» (Gupta, 2010). البته تمامی این اظهارات در حالی بیان می‌شود که سیاست خارجی پاکستان به‌طور کلی هندمحور است و دعوای تاریخی و ژئوپلیتیکی دلیل اصلی نگرانی‌ها و ترس پاکستان در خصوص هند است. از سال ۱۹۴۷، پاکستان نقشه نبردهایی را طراحی کرده است تا کشمیر را از هند، حریف قوی‌تر خود بگیرد (James and Ozdamar, 2005: 456). بنابراین،

هرگونه تغییر در آب‌های کشمیر در جهت منافع هند، تهدیدی برای امنیت ملی پاکستان محسوب می‌شود و این یکی از عواملی است که ادراک تهدید این کشور را در خصوص هند در حوزه آبی شکل می‌دهد.

۲. امنیتی‌سازی آب و کاربرد استعاره

یک محرکه مهم که نوعی ادراک تهدید را در این کشورها شکل داده و با سیاست منطقه در پیوند بوده است و آب را به حوزه امنیت ملی این کشورها مرتبط می‌کند، سیاست استفاده از سیل در این کشورهاست که از این سیاست بیشتر به‌عنوان استراتژی «بمب آبی» نام برده شده است. «بمب آبی» اصطلاحی است که استفاده می‌شود تا عمق فاجعه و میزان آسیب‌پذیری یک کشور را از منابع آب نشان دهد. از نظر این کشورها با سرازیر شدن آب و ایجاد سیل محصولات کشاورزی و در نتیجه اقتصاد این کشورها که مبتنی بر کشاورزی است آسیب دیده و در نتیجه بی‌ثباتی حاصل می‌شود. به‌زعم سناتور مالک مأموربازنشسته آژانس تحقیق فدرال و وزیر کشور سابق پاکستان: «هند از این امر مطلع شده است که آب یکی از سهمیه‌های ملی کلیدی است و از این رو همچنان برای جلوگیری از ورود جریان آب به پاکستان تلاش خواهد داد. با مسدود کردن جریان آب طبیعی و قانونی ما، نخست‌وزیر مودی در حال حاضر یک «بمب آبی» برای پاکستان ایجاد کرده است و نخستین «بمب آبی» را به سوی پاکستان پرتاب کرده است» (Malik, 2018).

از نظر پاکستانی‌ها، هند برای ضربه‌زدن به اقتصاد پاکستان و در نتیجه ایجاد بی‌ثباتی در این منطقه از این استراتژی استفاده می‌کند (Baqai, 2017). یک مقام پاکستانی گفته که ذره‌ای انحراف از معاهده ایندوس به سیل‌زده شدن پاکستان خواهد انجامید. دلیل این نگرانی را می‌توان در این یافت که این کشور از نظر اقتصادی ضعیف است و در صورت سیل با مشکلات اقتصادی مضاعفی روبرو خواهد شد. هرچند این مسئله تاکنون ثابت نشده است، اما آن در ذهن پاکستانی‌ها به‌عنوان درکی از تهدید شکل گرفته است و بارها دولت‌مردان و سیاستمداران این کشور از این تهدید سخن گفته‌اند (Malik & Tanveer, 2014). پالوآشا خان، عضو مجلس ملی نیز، با اصطلاح «تروریسم آبی» هند را متهم به اقدام علیه پاکستان کرد و در

ادامه افزود: «کارشناسان، جنگ در خصوص موضوع آب را در آینده پیش‌بینی می‌کنند و هر جنگی در این منطقه کمتر از یک جنگ هسته‌ای نخواهد بود» (Arpi, 2010).

علاوه بر این، یکی از گروه‌های دیگر که در ایجاد گفت‌وگو ضد هند نقش مهمی دارد، حزب سیاسی جماعت‌الدعوه به رهبری عبدالرحمان مکی است که بارها در خصوص بحران آب در پاکستان، هند را تهدید کرده است. برای نمونه، این گروه اعلام کرده است: «اگر این اقدام (استفاده از آب برای راه انداختن سیل در پاکستان) رخ دهد جهاد جدیدی شروع خواهد. مبارزان ما و همه مبارزان پاکستانی آماده انتقام گرفتن از این وحشیگری هند هستند». حزب الدعوه در مناطق سیل‌زده با پخش غذا و دارو درصدد بوده است ذهنیت ضد هند در مردم ایجاد یا تقویت کند (Malik & Tanveer, 2014). از سوی دیگر، بر اساس گفت‌وگو ضد هند در پاکستان، در پس ساخت سد توسط هند هدفی استراتژیک نهفته است. این دسته بارها اعلام کرده‌اند که کنترل آب از طریق آب‌بندها و سدهای عظیم، یک موقعیت برتر استراتژیک برای هند فراهم می‌سازد که در مواجهه نظامی با پاکستان از آن استفاده کند و این سبب می‌شود که هند قادر به بسیج نیروهای خود و نیز سبب عقب‌نشینی نیروهای پاکستانی شود و این‌گونه توان مانور نیروهای خود را تقویت کند (Singh, 2008: 15).

در اینجا، استراتژی «بمب آبی» تکمیل‌کننده این درک از تهدید است که با توجه به ماهیت مناقشه‌آمیز سرزمین‌های مورد ادعا پروژه‌های سدسازی و سایر پروژه‌های آبی در این مناطق تلاشی هماهنگ برای تقویت آمادگی جنگی نیروهای مسلح کشور رقیب دیده می‌شوند (Rahman, 2014: 59). هرچند در آثار مربوط به امنیت آب، درباره امنیت نظامی یا درباره مفهوم امنیت زیست‌محیطی (جنگ‌های سبز) تأکید چندانی نشده است (Cook and Bakker, 2012: 97) اما از آنجایی که در ادبیات امنیت آبی منطقه جنوب آسیا خصوصاً در روابط دو کشور هند و پاکستان از دغدغه‌ها و نگرانی‌های امنیتی-ژئوپلیتیکی سخن به میان می‌آید، تأکید بر موضوع امنیت نظامی به‌صورت جدی‌تری مطرح می‌شود جایی که هند و پاکستان چندین جنگ را تجربه کرده‌اند.

البته برخی در پاکستان با نظرات فوق مخالفند. اول اینکه، به زعم این گروه، مسائل مربوط به کمبود آب به‌طورکلی و قضیه وقوع سیل به خصوص در این کشور، بیش از آنکه تقصیر

هند باشد از سوء مدیریت و عدم مدیریت درست آب توسط مقامات پاکستانی سرچشمه می-گیرد. در این زمینه یوسف رضا گیلانی نخست‌وزیر سابق پاکستان اظهار کرده است که «اگر یک هشدار به موقع از سوی هند به پاکستان در خصوص وقوع سیل داده شود آیا ما آن را مورد توجه قرار می‌دادیم؟ آیا دولت گام‌های مناسب را بر می‌داشت؟ من شک دارم». دوم اینکه، این باور وجود دارد که این اظهارات فقط برای تقویت گفت‌وگوها در میان مردم پاکستان، به کار می‌رود. برای مثال، حقانی سفیر سابق پاکستان در آمریکا، می‌گوید: «مسائل مربوط به آب مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد تا روابط دو کشور را وخیم و تنش‌زا کند؛ نظامیان پاکستانی وقوع سیل را نتیجه آزادکردن آب فراوان در پاکستان می‌دانند که این بخشی از پروپاگاندا بی‌اساس است که ریشه در این عقیده دارد که پاکستانی‌ها باید وادار شوند تا هند را به عنوان «دشمن دائمی» خودشان در نظر بگیرند» (Malik & Tanveer, 2014).

محرکه دیگری که نوعی ادراک تهدید را در این کشورها شکل داده نگرانی و ترس از انحراف آب و قطع آب رودخانه‌ها توسط هند است. پاکستان بارها در خصوص قطع آب رودخانه سند از سوی هند هشدار داده است. برای نمونه، آصف علی زرداری در سال ۲۰۰۸، در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مسئله آب را با نخست‌وزیر وقت هند، منموهان سینگ، در میان گذاشت و از انحراف آب هند از رودخانه چناب که سبب زیانهای کشاورزی در چندین منطقه پاکستان شده بود گلایه کرد. پاکستان، طبق گزارش رسانه‌ها، خواستار جبران خسارت از هند برای ازدست‌دادن کشاورزی به دلیل انحراف آب شده بود (Gupta, 2010). بنابراین، بحث قطع آب و همچنین انحراف جریان آب از جمله موارد دیگری است که در حوزه آبی نوعی درک تهدید در تفکر این کشورها در خصوص کشور رقیب ایجاد کرده است. این درک از تهدید در پاکستان در خصوص هند با تجربه‌ای که این کشور در سال ۱۹۴۸ از سوی هند داشت در پیوند است. در ماه آوریل ۱۹۴۸ هند کانال‌های آب در رودخانه‌های شرقی راوی و سوتلیج را بست و تنها پس از توافق ماه مه ۱۹۴۸ بود که با بازگشایی مجدد آنها موافقت کرد؛ هند مدعی کل آب رودخانه‌های شرقی بود. پس از این توافق موقت، در نهایت در سال ۱۹۶۰ پیمان آبی «ایندوس» بین هند و پاکستان با کمک بانک جهانی منعقد شد (Hill, 2006:138).

این نوع درک از تهدید در ادبیات سیاستمداران، ادبیات آکادمیک و ادبیات رسانه‌ای کشور پاکستان مشاهده می‌شود. در همین راستا، مهندس فتاح‌الله خان غناپور، مدیر سابق سیستم مدیریت رودخانه سند، به‌طور ضمنی با توصیف آب به‌عنوان «سلاح کشتار جمعی» بیان کرد که هند برای تبدیل پاکستان به «بیابان» از آن استفاده می‌کند (Baqai, 2017). طبق تعریف دانشنامه انگلیسی بریتانیکا، یک سلاح تخریب جمعی سلاحی است که می‌تواند به ساختارها یا محیط‌زیست در مقیاس وسیع آسیب برساند، به‌طوری‌که در صورتی که یک قدرت خصم به آن دست یابد، می‌تواند یک تهدید جدی باشد. بنابراین، معرفی آب به‌عنوان یک سلاح کشتار جمعی به آن بار امنیتی منفی می‌دهد و آن را در رده تهدیدات امنیتی و وجودی یک کشور قرار می‌دهد. به‌علاوه، کاربرد اصطلاح «بمب آبی» نیز که بمانند سلاح کشتار جمعی اغلب بیش از آنکه در معنای فنی به‌کار رود در معنای سیاسی استفاده می‌شود، به‌شکل‌گیری و تقویت این گفتمان که با سیل‌زده‌کردن زمین‌های کشاورزی، محصولات کشاورزی و مواد غذایی پاکستان نابود شده و در نتیجه مردم پاکستان از بین می‌روند، کمک کرده است؛ در اینجا پیوند بین آب-کشاورزی-غذا و در نتیجه حیات بشری برقرار شده است.

در خصوص با مقوله آبی پاکستان، بررسی‌ها نشان می‌دهد که در این کشورگفتمان مسلط ضدّ هندی در جهت باورپذیری مخاطب در خصوص تهدیدآمیزبودن اقدامات آبی هند موفق بوده است. در ۶ سپتامبر ۲۰۰۹ انجمن متحده کیسان ماهاز^۱ پاکستان، به رهبری محمد ایوب مایو برای اعتراض به فعالیت‌های آبی هند، تظاهراتی به همراهی تعداد زیادی از کشاورزان در مرز واگه انجام داد (Down, 2009). پس از مدتی مجدداً این گروه که کشاورزان را با همکاری سازمان‌های دیگر بسیج می‌کند یک بیانیه مشترک منتشر کرد و در آن اعلام کرد که ۸۰ درصد از کشاورزان به‌علت «سرقت آبی» هند از رودخانه‌های جیلیم، چناب و سند و نیز به‌دلیل ساخت سدها توسط این کشور دچار زیان شده‌اند و همچنین ادعا کرد که کشاورزی پاکستان به‌علت کمبود آب در رودخانه‌ها و نیز وقوع قحطی، با میلیاردها روپیه زیان مواجه خواهد شد (Dawn, 2009). آنها همچنین ساخت سدهای بیشتر توسط دولت پاکستان برای تولید برق آبی و نیز جنگ علیه هند برای برانگیختن افکار عمومی را پیشنهاد دادند (The Nation, 2010). در

سال ۲۰۱۰ شورای پنجاب متشکل از یک گروه از کشاورزان پنجاب نیز فعالیت‌های آبی هند را عامل خشک شدن رودخانه‌های پاکستان اعلام کردند (Daily Times, 2010).

آنچه در این بررسی پیداست این است که پاکستان با استفاده از مفاهیم مختلف به‌عنوان ابزاری در جهت هدف خود، یعنی امنیتی‌سازی آب استفاده کرده است. همان‌طور که ذکر شد، آشکارترین و ساده‌ترین متغیری که به نوعی گفتمان امنیتی‌سازی را در حوزه آبی پاکستان می‌تواند مشروعیت دهد استفاده از هند و نیات خصمانه آن در گفتمان آبی پاکستان است که می‌تواند به‌عنوان کاتالیزوری عمل کند که فرایندهای اجتماعی تحریک‌آمیز را در سطوح نظامی و گروه‌های افراط‌گرای اسلامی و نیز کشاورزان به‌وجود آورد. در واقع، اصطلاح «بمب آبی» «جنگ آبی»، «تروریسم آبی» و «دزد آبی» استعاره‌هایی هستند که توسط کنشگران پاکستانی بر علیه هند به‌کار برده می‌شوند که نه‌تنها امنیتی‌سازی را مشروع کرده، بلکه دریچه‌ای از فرصت را برای تلنگرزدن به امنیتی‌سازی نیز ایجاد می‌کند.

نتیجه‌گیری

پس از جنگ سرد تحولاتی در مفهوم سنتی امنیت پدید آمد به‌طوری‌که از آن پس چالش‌ها و تهدیدات غیر نظامی نیز وارد مفهوم امنیت شدند. به همین دلیل سیاست‌گذاران دولتی به چالش‌های امنیتی که از منابع غیرنظامی از جمله تغییرات اقلیم، کمبود غذا، مهاجرت غیرقانونی نشئت گرفته‌اند نیز اهمیت ویژه‌ای داده و بر آنها تأکید داشته‌اند. در این میان آب‌های بین‌المللی نیز که عموماً در طیف تهدیدات غیرنظامی قرار داده شده‌اند از جمله این تهدیدات غیرنظامی هستند که نه‌تنها ذهن دولت‌ها بلکه محققان را نیز به‌سمت خود جلب کرده‌اند زیرا آب‌های مرزی نه فقط از جنبه فنی بلکه به‌لحاظ سیاسی نیز می‌تواند نوعی درک از تهدید در میان کشورهای کنار رود ایجاد کند. پاکستان از جمله این کشورهای کنار رود است که امنیت خود را با آب‌های رودخانه مشترک با هند (رودخانه سند) درهم تنیده است به‌طوری‌که توانسته است اقدامات آبی هند بر روی این رودخانه را امنیتی‌سازی کند.

در رابطه با امنیتی‌سازی فعالیت‌های آبی هند بر روی رودخانه سند، مقامات پاکستانی تلاش کرده‌اند تا با پیوندزدن امنیت آبی پاکستان با منطقه مورد مناقشه کشمیر که برای مردم

هر دو کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، از روش قالب‌بندی استفاده کنند. به‌طورکلی، قالب‌بندی پیوند امنیت آبی پاکستان با کشمیر بخشی از گفت‌وگوهای آبی پاکستان را که در آن هند عامل اصلی کاهش میزان آب پاکستان معرفی شده است، تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر پاکستانی‌ها با استفاده از استعاره سعی کرده‌اند تا اقدامات آبی هند را به‌منزله تهدید اضطراری و وجودی علیه امنیت پاکستان و جامعه پاکستان تعریف کنند و احساسات مردم را بیش از پیش در خصوص اقدامات هند تحت تأثیر قرار دهند. بنابراین، این کشور توانسته است فعالیت‌های آبی هند بر روی رودخانه سند را با موفقیت امنیتی‌سازی کند.

منابع

- بوزان، بری؛ ویور، الی و دو ویلد، پاپ (۱۳۸۶) چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت. ترجمه علیرضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و محمدعلی علوی (۱۳۹۵) روند امنیتی سازی فعالیت هسته ای جمهوری اسلامی ایران توسط لابی اسرائیل در آمریکا از منظر مکتب کپنهاگ، پژوهش های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۷، شماره پیاپی ۴۷.
- شفیعی، نوذر و مریم اسکندری (۱۳۹۰) بحران کشمیر: ارزیابی سناریوهای حل بحران، رهیافتهای سیاسی و بین المللی.
- کاویانی راد، مراد (۱۳۸۴) مناسبات هیدروپولیتیک ایران و افغانستان، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره دوم،
- کاویانی راد، مراد (۱۳۹۰) نسبت ژئوپلیتیکی امنیت زیست محیطی و توسعه پایدار؛ مطالعه موردی دریاچه ارومیه، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره اول، شماره مسلسل ۵۱.
- Akhter, Majed (2016). "Water Security in South Asia between State and Society", **Georgetown Journal of Asian Affairs**.
- Arpi, Claude (2010). "Strategic Aspects of Climate Change, <http://www.indiandefencereview.com/news/strategic-aspects-of-climate-change-1/>
- Arvind, Gupta (2010). "Vicious Anti-India Propaganda in Pakistan on Water Issues, Available At: <https://idsa.in/idsacomments/viciousanti->
- Bisht, Medha (2011). "The politics of water discourse in Pakistan", ICRIER Policy Series, No.4.
- Baqai, Huma (2017). "A Ticking Water Bomb Between India and Pakistan", Available At: <https://Www.Globalvillagespace.Com/Ticking-Water-Bomb-India-Pakistan/>
- Burgess, J. Peter, Taylor Owen, and Uttam Kumar Sinha (2016), "Human securitization of water? A case study of the Indus Waters Basin", **Cambridge Review of International Affairs**, Vol. 29, No. 2.
- Buzan, B & Waever, O., & Wild, J. (1998) **Security: A new framework for analysis**, Boulder, Co: Lynne Reiner.
- Calow, Roger C., Alan M. MacDonald, Alan L. Nicol, and Nick S. Robins (2010), "Ground Water Security and Drought in Africa: Linking Availability, Access, and Demand", **Ground Water**, Vol. 48, No. 2, pp. 246–256.

- Cheema Musarat Javed (2015) "Pakistan – India Conflict with Special Reference to Kashmir", **South Asian Studies: A Research Journal of South Asian Studies**, Vol. 30, No.1.
- Cohen, Stephen Philip (2003) "India, Pakistan and Kashmir", **Journal of Strategic Studies**.
- Cook Christina & Bakker Karen (2012) "Water Security: Debating an Emerging Paradigm", **Global Environmental Change**, No.22.
- Grey, David and Claudia W. Sadoff (2007), "Sink or Swim? Water security for growth and development", **Water Policy**, 9, pp.545–571.
- Farmers protest Indian water aggressi, September 07, 2009. Available at: <https://www.dawn.com/news/947863>**
- Fischhendler Itay (2015) "The Securitization of Water Discourse: Theoretical Foundations, Research Gaps and Objectives of The Special Issue", **Int Environ Agreements**.
- Fischhendler Itay and Katz David (2013) "The Use of «Security» Jargon in Sustainable Development Discourse: Evidence from UN Commission on Sustainable Development", **Int Environ Agreements**.
- Gareth Price" (2014) Attitudes to Water in South Asia," **Chatham House Report**.
- Gazdar Haris (2005) "Baglihar and the Politics of Water in Pakistan – A Historical Perspective", **Economic and Political Weekly**, Vol. 40, No. 9
- Hill Douglas (2006) ". The Politics of Water in South Asia", **Transforming Cultures journal**, Vol. 1 No. 2.
- James Carolyn C. and Ozdamar Ozgur (2005). "Religion as A Factor in Ethnic Conflict: Kashmir and Indian Foreign Policy," **Terrorism and Political Violence**, Vol. 17.
- Khalid, Iram (2010) "Trans-boundary water sharing issues: A case of South Asia", **Journal of Political Studies**, Vol. 17, No.2
- Kronstadt, K. Alan (2019) Kashmir: Background, Recent Developments, and U.S. Policy, **Congressional Research Service**.
- Lipschutz, Kari (2012). "Global Insider: The India-Pakistan Water Dispute", **World Politics Review**, 2010.
- Laghari A. N., D. Vanham, and Rauch W. "The Indus basin in the framework of current and future water resources management" *Hydrol. Earth Syst. Sci.*, 16, 1063–1083.
- Maqbool, Ashraf Shahzada & Badrul Alam Muhammad (2016). "The Uncertain Future of Afghanistan: Security Perceptions in India & Pakistan", **Journal of Political Science**, Xxxiv.
- Malik Rehman (2018). "Water bomb shell ", **the nation**, Available at: https://nation.com.pk/09-jun-2018/water_bombshell?show=previewc=18388168508466929728
- Malik, Mehreen Zahra & Tanveer Asim (2014). "Pakistani Islamists Use Floods to Turn Opinion against India", Reuters.
- Mianabadi, Hojjat (2016). "Hydropolitics and Conflict Management in Transboundary River Basins".
- Miner, Mary, Gauri Patankar, Shama Gamkhar, and David J. Eaton. Miner, Mary et al (2009), "Water sharing between India and Pakistan: a critical evaluation of the Indus Water Treaty", *Water International* Vol. 34, No. 2.
- Mirza Zulfikur Rahman (2014)". An Analysis of Indian Infrastructure Building along the Sino-Indian Border in Arunachal Pradesh, **Eurasia Border Review**.
- Mirumachi, Naho (2013). "Securitising shared waters: an analysis of the hydropolitical context of the T napkur Barrage project between Nepal and India." **The Geographical Journal** 179, no. 4.

- Misra, Ashutosh (2005). "The Problem of Kashmir and the Problem in Kashmir: Divergence Demands Convergence, **Strategic Analysis**, pp.16-43.
- Mogul Priyanka (2016). "Are India and Pakistan on the brink of a water war? The Indus Waters Treaty explained", Available at: <https://www.ibtimes.co.uk/are-india-pakistan-brink-water-war-indus-waters-treaty-explained-1584218>
- Movement against water suspension by India," *The Dawn*, December 14, 2009, Available at <http://news.dawn.com/wps/wcm/connect/dawn-content-library/dawn/the-newspaper/national/movement-against-water-suspension-by-india-429>
- Pak Jin H. (2016). "Challenges in Asia China, India, and War Over Water", **Parameters**, 46(2).
- Pakistan Accuses India of Stealing" Water," *Telegraph*, March 26, 2009, Available at: <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/asia/pakistan/5052150/pakistan-accuses-india-of-stealing-water.html>
- Rally against Indian water aggression," *The Nation*, May 31, 2010, <http://www.nation.com.pk/pakistan-news-newspaper-daily-english->
- Riffat Fatima & Iftikhar Anam (2015). "Water Issues and its implications Over India-Pakistan Relations, **JPUHS**, Vol.28, No.2
- Riviere Daniel (2015). "The Thirsty Elephant – India's Water Security Challenges: A Test for Regional Relations over the Next Decade", **The Centre for Defence and Strategic Studies**.
- Sinha Uttam Kumar (2008). "India and Pakistan: Introspecting the Indus Treaty", **Strategic Analysis**, Vol. 32, No. 6.
- Singh Richa (2008). "Trans-Boundary Water Politics and Conflicts in South Asia: Towards Water for Peace", **Centre For Democracy and Social Action**.
- Sohail, Muhammad Tayyab, Huang Delin, Aqsa Siddiq, Farwa Idrees, and Sidra Arshad (2015), "Evaluation of Historic Indo-Pak Relations, Water Resource Issues and Its impact on Contemporary Bilateral Affairs", **Asia Pacific Journal of Multidisciplinary Research**, Vol. 3, No. 1.
- Stetter, Stephan, Herschinger, Eva, Teichler, Thomas and Mathias Albert (2011). "Conflicts about Water: Securitizations in a Global Context", *Cooperation and Conflict*, 46(4) 441-459
- Suguna Kararaju & Akhtar Shabnum (2015). "India-Pakistan Relations: Challenges and Opportunities", **Iosr Journal of Humanities and Social Science**, Vol.20, Issue 12.
- Tarlock, Dan & Patricia Wouters (2010). "Reframing the Water Security Dialogue", **The Journal of Water Law**, vol.20, Issues 2/3.
- Thapa M (2011) "Non-Traditional Security Cooperation Framework: A Step towards Regionalism in South Asia, **GCST New Voices Series**, (15). Global Consortium on Security Transformation (GCST).
- UN-Water Task Force on Water Security, *Water Security & the Global Water Agenda*, Analytical Brief , UN university, 2013.
- Venkataramanan, K. (2019). "How the status of Jammu and Kashmir is being changed", *The Hindu*. <https://www.thehindu.com/news/national/other-states/explained-how-the-status-of-jammu-and-kashmir-is-being-changed/article28822866.ece?homepage=true>
- Warner, Jeroen & Ingrid Boas (2017). "Securitization of Climate Change: The Risk of Exaggeration", **Ambiente & Sociedade, São Paulo** V. XX, No. 3, Pp. 203-224.
- Water Row Key to India-Pak Rivalry," July 16, 2010, http://www.dailymirror.com.pk/default.asp?page=2010/07/16/story_16-7-2010_pg1_9
- World Water Day: Water Scarcity Hurting Pakistan, *South Asia Investor Review*, March 22, 20119, <http://southasiainvestor.blogspot.com/2009/03/world-water-day-water-scarcity-hurting.html>
- Zeitoun, Mark et al. (2010). "Virtual water 'flows' of the Nile Basin, 1998-2004: a first approximation and implications for water security", **Global Environmental Change**, 20.